

نام و نام خانوادگی:
مقطع و رشته: هفتم
نام پدر:
شماره داوطلب:
تعداد صفحه سؤال: ۱ صفحه

جمهوری اسلامی ایران
اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۴ تهران
دبیرستان غیردولتی دخترانه سرای دانش واحد رسالت
آزمون پایان ترم نوبت دوم سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

نام درس: املا
نام دبیر: مائده آقائی میر
تاریخ امتحان: ۱۳/۰۳/۱۴۰۱
ساعت امتحان: ۱۰:۰۰ صبح / عصر
مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

نام:	سؤالات	نمره:
	<p>به نام خدا</p> <p>یاد دارم که در ایام طفولیت، متعبّد و شب خیز بودم. شبی در خدمت پدر -رحمه الله علیه- نشسته بودم و همه شب، دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه ای رد ما خفته.</p> <p>امام خمینی(قدس سره) در پاسخ نامه دانش آموزان که خواسته بودند آنها را نصیحت کنند، نوشتند: «فرزندان عزیزم، نامه محبت آمیز شما را قرائت کردم، کاش شما عزیزان مرا نصیحت می کردید که محتاج آنم.»</p> <p>در اولین ساعات حضورش در قم به حرم حضرت معصومه(س) پناه برد. سر بر ضریح آن حضرت گذاشت و آرام اشک ریخت. از خداوند خواست به او در راهی که انتخاب کرده است؛ اخلاص و همت بلند، عطا کند و به قلب نگران مادر نیز آرامش و نشاط بخشد و بیماری و کسالت او را شفا دهد.</p> <p>پروفسور حسابی، هر وقت از خواندن و پژوهش فراغت می یافت، به باغبانی می پرداخت.</p> <p>شهید رجایی، معلّمی متواضع و صمیمی و در کارش بسیار دقیق و منظم و جدّی بود و به شاگردانش می گفت:</p> <p>من خود را موظّف می دانم که برای خیر و صلاح شما تلاش کنم، شما هم خودتان را موظف بدانید که به توصیه های من عمل کنید و تکالیف تعیین شده را به انجام برسانید.</p> <p>هنوز کار معلّم تمام نشده بود. در پایان مراسم، معلّم شاگردانش را به کلاس برگرداند. آنها با شیرینی و آب میوه، مجلس ترحیم «نمی توانم» را برگزار کردند.</p>	
صفحه ی ۱ از ۱		